

لیبراستارت از بهار عربی تا حمایت از کارگران ایران

بدنبال شرکت رهبران حزب کمونیست کارگری در کنفرانس لیبراستارت در برلین در تاریخ ۲۳ تا ۲۵ مه، با توجه به تاریخچه این گروه بد نیست بحثی پیرامون شرکت این حزب و اهداف این حرکات داشته باشیم.

زمانی که یکی از نهادهای مدافع کارگران در ایران اولین مطلبش را در رابطه با فلسطین منتشر کرد (جنبش زحمتکشانشان فلسطین برای استقلال¹) تعدادی از کسانی که در رابطه با جنبش کارگری فعالیت می کردند سوالشان این بود که چرا در آن نوشته به نهاد لیبراستارت حمله شده و مدارکی دال بر همکاری این نهاد با نهادهای اسرائیلی و در همان جهت نهادهای دولتی امریکایی کامل نیست و ادعا می کردند لیبراستارت می تواند برای جنبش کارگری بسیاری از کشورها از جمله ایران به صورت یک کمپین اطلاع رسانی عمل کند. البته فعالین کارگری در ایران بارها توضیح دادند که فعالیت های مجازی لیبراستارت که در حد گرفتن امضاء برای حمایت از اعتصاب و آزادی کارگران می باشد همانند تاکتیک تروتسکیست های خجول غربی می باشد که دیگر توان هیچ گونه ارتباطی مستقیمی با کارگران ندارند و کارگران نیز آنان را به رسمیت نمی شناسند و در نهایت دودرصد به ایمیلهایی جواب می دهند. خود اریک لی هم مستقیماً به فعالین کارگری در داخل ایران نامه داد و این نامه های محرمانه ایشان و پارانش هیچ گاه جوابی از فعالین داخل کشور نگرفتند، چرا که فعالین داخل کشور از ایشان و پارانش درخواستهایی داشتند مبنی بر این که ایشان عملاً نظراتش را در مورد بدترین نوع راسیسم قرن یعنی اشغال فلسطین توسط اسرائیل بیان کند و اینکه چرا اریک لی هیچ گاه در سایتش به مسأله اشغال فلسطین، وضعیت محرومان، مسأله یک دولت واحد⁽²⁾ و کمپین تحریم، عدم سرمایه گذاری و بایکوت اسرائیل⁽³⁾ نمی پردازد. این سؤالات از این جهت بود که ایشان بعنوان یک یهودی، مشاور نتایهو و یک اسرائیلی اول به جامعه خودش پردازد و جنبش انترناسیونالیستی پیشکشش. البته اگر این نامه های محرمانه در جنبش کارگری ایران انتشار می یافت، معلوم می شد که حامیان واقعی طبقه کارگرایران چه کسانی هستند. از بد روزگار این افراد نه تنها درسی نگرفتند بلکه ما شاهد حرکات بیشتر آنها چه در کنفرانس ترکیه و دیگر جاها برای ترغیب شرکت فعالین کارگری ایران بوده و هستیم، گرچه این حرکات نه در ورای نامه های محفلی کوچک بلکه در نشست ترکیه نیز دیده شد. افراد ایرانی نه تنها در این کنفرانس شرکت کردند بلکه

به تطهیر لیبر استارت نیز پرداختند و فقط در نشست بهار عربی شرکت نکردند چون کنفرانس داخل ایران نبود .

اکثر فعالین کارگری به خوبی می‌دانیم انقلابات رنگی دو دهه گذشته و برنامه‌ریزی آن در منطقه خاورمیانه چه دستاوردی داشته است اما از زمان شروع اعتراضات اجتماعی و بخصوص جنبش کارگری در خاورمیانه در چند سال اخیر باعث شده تا امپریالیسم و وابستگی‌ها در اشکال گوناگون شدیداً به جنبش افتاده و با تشکیل انواع گوناگون کنفرانسها، سمینارها و کنگره‌های دروغین به دنبال جهت‌دهی مبارزات کارگران در کشورهای منطقه می‌باشند و جالب است موسس لیبر استارت یکی از طرفداران جدی دولت اسرائیل که بشدت ضد فلسطین و ضد منافع کارگران آن جا می‌باشد، و در کنفرانس ترکیه دیده شد که چگونه با جریانات طرفدار فلسطین برخورد کرد . و ایشان از حمایت مالی و سیاسی حامیان کشور اسرائیل و نهادهای امریکایی برخوردار می‌باشد⁽⁴⁾، اما در این میان مساله ای که بسیار با اهمیت می‌باشد ضد اسرائیل بودن کمونیستها می‌باشد و به جرات می‌توان ادعا کرد که چپ در ایران بخشی از محبوبیت و جایگاهش در میان مردم را مدیون حمایت از مردم فلسطین و مبارزه علیه حکومت نژاد پرست اسرائیل، مبارزه علیه آپارتاید افریقا و مبارزات آزادیبخش بوده است. در حالی که عده ای از " به اصطلاح کمونیستها " در لیبر استارت به دنبال منافع کارگران ایران می‌باشند.

خانم دانشور بعنوان مسئول کمپین زندانیان کارگری در ایران با اظهار خشنودی از شرکت در این نشست اذعان می‌کند که ما از آنها خواستیم که برای آزادی فعالین کارگری ایران کمک کنند.⁽⁵⁾

اریک لی با برگزاری این کنفرانس که در انتهای کنگره کنفدراسیون بین المللی کارگری ای که در برلین بود، چند هدف داشت : یک - جمع کردن چپهای اروپایی و گرفتن حمایت از آنها برای فعالیت های لیبر استارت دو - گرفتن حمایت از کنفدراسیونهای کارگری برای پیشبرد کمپین هایش سوم - گرفتن کمک مالی در این مقطع از بنیاد فردریک ابرت است . چون می‌داند آلمان تنها کشوری است که کمتر کسی می‌تواند از سیاست اسرائیل در فلسطین انتقاد کند و این بنیاد بیشترین کمکهایش را در دفتر تل آویو به هر نهادی که به پاسداری از اسرائیل بپردازد می‌دهد و در انتها بعنوان یک یهودی برای محکم کردن ملت یهود و پاسداری از اورشلیم سرزمین مسیحایش کمک کند .

البته ما پیش‌بینی می‌کنیم که افرادی در نقد این نظرات برای خالی نبودن عریضه مدعی خواهند شد که مباحث نوشته شده در بالا حمایت از جریانات بنیادگرایی می

باشد ولی جریان‌ات بنیادگرایی منطقه و بطور مشخص ضدامپریالیست‌های دروغین تا بحال در داخل ایران توسط گرایش‌ات و افراد مشتقل نیز افشا شدند. و معتقدیم تنها حامی جدی جنبش کارگری ایران در منطقه جنبش کارگری فلسطین است و فقط کافی است نگاهی به عملکرد درون نهادهای کارگری جهانی بیندازیم و ببینیم که چطور جنبش کارگری فلسطین در همان زمان که حزب الله و حکومت ایران را افشا می کنند در مقابل حامیان حکومت ایران نیز می ایستند و معتقدند که ایران سد بزرگی برای جنبش کارگری منطقه می باشد زیرا جمهوری اسلامی با تفرقه اندازی در جنبش کارگری فلسطین مشکلات زیادی برای کارگران فلسطینی بوجود آورده و می آورد. (نهاد دست ساز حماس همانند خانه کارگر نهاد خیریه ای از طریق ذکات در غزه در مقابل جنبش مشتقل کارگری در شهرهای دیگر فلسطین که مجموعه ای از جریان‌ات چپ، جرح حبش و حزب کمونیست فلسطین)

ما دیده ایم که بسیاری از یهودیان چپ مشتقل چگونه در مقابل اریک لی و سیاست به اصطلاح انترناسیونالیستی دروغین او ایستادند و این نوشته به هیچ وجه نمی خواهد یهودی ستیزی را برجسته کند، ولی گرفتن حمایت از دولت اسرائیل توسط نهادهای کارگری ایرانی حتی در عرصه تبلیغات از طریق رادیو اسرائیل نیز محکوم است.

اما این حرکت خانم دانشور جای چند سئوال را باز می گذارد :

اول این که خانم دانشور شما نمی خواهید بپذیرید که اکثر شرکت کنندگان در این کنفرانسها از چپهایی که خودشان یهودی تبار هستند، می باشند (یا می شود به آن ها صهیونیستهای سرخ لقب داد) با نگاهی به لیست خبرنگاران سایت لیبر استارت می توان این رادریافت، بخش عمده آنها بازنشسته هستند و تعدادی از آنها از رده های پایین اتحادیه و بیشتر مخالف نهاد کارگری می باشند و در مقوله سوسیال دمکراسی می گنجد و تعداد معدودی نیز وجود دارند که واقعاً علاقمندند بدانند چه کمکی می توانند بکنند، که با مشاهده عملکرد کنفرانس در کنفرانس بعدی شرکت نمی کنند. در رابطه با ایران بجزگرایش شما که کاسب کارانه به اسرائیل نگاه می کنید، کمتر چپی را می توان در جنبش کارگری و عدالتخواهی ایران در حال حاضر دید که با فعالیت‌های اریک لی در رابطه با جنبش کارگری خاورمیانه و فلسطین موافق باشد. حمایت از مبارزات مردم فلسطین پاشنه آشیل چپ های ایران است و شما چگونه در مجموعه لیبراستارت می خواهید از جنبش عدالتخواهی ایران دفاع کنید؟

دوم کدام نهادهای واقعی از کارگران فلسطینی و افغانستانی و ایرانی بجز شمادر این سمینار شرکت داشتند؟ و دستاورد لیبراستارت یا اریک لی برای کارگران

فلسطین و افغانستان در این کنفرانسها چیست؟ گرفتن حمایت از بقول خودتان فعالین اسرائیل در این کنفرانس فضیلتی بشمار نمی آید، از آنها می توانستید بپرسید نظرشان در رابطه با کارگران فلسطینی که در اسرائیل شهروند درجه دو به حساب می آیند و از بسیاری از رشته های دانشگاهی محرومند و بسیاری از مشاغل به آنها تعلق ندارد، چیست؟

سوم حاصل چند سال نشست های لیبراستارت به اسم بهار عربی برای کارگران منطقه چه بوده است؟ کسانی که سردمدار آن کنفرانس بودند امروز حامیان ال سیسی شده اند (6). در مقاله ای جداگانه به مسأله جنبش کارگری عراق توسط فعالین کارگری پرداخته شده و همکاری نهاد کمونیست کارگری عراق و سالیدریتی سنتر را نشان داده اند.

شما نمی خواهید باور کنید که نمایندگان واقعی کارگری ایران خواسته هایشان در نشست های کارگری بخصوص آی ال او هر سال بررسی می شود ولی جناح اپورتونیست راست کارگری، جریانات طرفدار هیئت موسس و خانه کارگر، گرایشات حزب توده و اکثریت (زیرمجموعه دلیو اف تی یو-دوستان حزب کمونیست اسرائیل) و شورای عالی کار و کانون عالی کارگری اجازه عملی شدن این خواسته ها را در حمایت از حکومت جمهوری اسلامی نمی دهند.

و جناح چپ اپورتونیست هم چون کار خودشان در آن برجسته نمی شود و سهمی در آن ندارند و نمی بینند، سنگ اندازی می کنند. و به گونه ای برخورد می کنند که کار با اهمیتی صورت نگرفته و آن را بی اهمیت جلوه می دهند، ولی بپذیریم نهادهای کارگری در ده سال گذشته اجازه ندادند یک نهاد غیر کارگری دولتی ایران در هیچ کمیته ای در کنفرانس آی ال او حضور داشته باشد و آنها رابه حال خودشان گذاشته اند که خاویار و عسل بفروشند.

و در پایان می پرسیم چقدر مطمئن هستید که شاهرخ زمانی، رضا شهابی، محمد جراحی و سایر زندانیان کارگری از این که در یک نهاد نژادپرست و در عین حال ضد کارگری از آنان حمایت می شود راضی و خرسندند و اگر از این عملکرد شما در کنار اریک لی اعلام ناخوشنودی کنند، شما چه جوابی خواهید داد؟

در ده سال گذشته بحرانهای اقتصادی جهانی و منطقه خاورمیانه منجر به عروج جنبش های کارگری رادیکال در جهت تغییرات بنیادی شد. لذا لیبر استارت و حامیانش برای جلوگیری از پیروزی و نتیجه بخش بودن این جنبش های اجتماعی و کارگری مانند بهار عربی که مبدا منجر به تشکیل دولتها یا نهادهایی شود که منافع

وموجودیت اسرائیل را به خطر اندازد ، فعالیت می کنند و سیاستهای خاص خود را در جهت خنثی و از بین بردن این جنبش هات بوسیله کنفرانسهایی که توسط کمک ها و حمایت های کشورهای غربی و استرالیا به اجرا در می آورد. و گویا اکنون منتظر شروع آتش نشان جنبش کارگری در ایران هستند . اریک لی خواهان ارتباط با جنبش کارگری ایران می باشد اما جنبش کارگری ایران خواهان هیچ گونه ارتباط با اریک لی نمی باشد ، پس شما نقش محلل را بازی نکنید.

1. <http://www.kanoonm.com/436>

2.

http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations_Security_Council_Resolution_242

قطعنامه معروف سازمان ملل که در سال هزار و نهصد و شصت و هفت تصویب شده یعنی برسمیت شناختن دو کشور فلسطین و اسرائیل از آنزمان تاکنون اسرائیل نه تنها این قطعنامه را قبول نداشته بلکه با آشغال فلسطین بمرور این جامعه را از بین برده و تنها بیست و پنج درصد از آن زمینهای سال شصت و هفتاد در اختیار فلسطین ها مانند که امروز شعار دو ملت عملاً معنی ندارد و فلسطینها حرف یک جامعه سکولار را عنوان میکنند

3. <http://www.bdsmovement.net/>

4. kanoonmodafean1.blogspot.com/.../blog-post_22.htm

5. <http://www.wpiran.org/00-k-komonist/kk313/pdf/kk313.pdf>

6. <http://www.arabsi.org/>

7. <http://www.azadi-b.com/arshiw/?p=6570>

زمانی که ما هنوز در رهبری حزب بودیم از درون، این سیاست ها و مواضع را نقد و در نتیجه تعدیل می کردیم. یکی از مباحث داغ و مشاجرات ما با رهبری فعلی حزب دقیقا بر سر مواضع حمید تقوایی بر سر مساله فلسطین و نزدیکی مواضع او به قطب تروریسم دولتی بود. کسی که با لحن تمسخر آمیز درباره کشتار مردم غزه و بیش از ۳۰۰ کودک، از ما می پرسد که چرا علیه دولت اسرائیل موضع می گیرید، "مگر حزب کمونیست کارگری اسرائیل هستیید؟" یا "اومانیسیم تان گل کرده است؟" جایی برای دفاع از موضع خود باقی نگذاشته است. رفتن به کنج "خارج از متن از حمید تقوایی نقل قول آورده اید" این ننگ را پاسخ نمی گوید